

بازخوانی مفهوم اقتصاد مقاومتی و معرفی الگوی کامل برای آن

حسین رحیمی کلور^۱

نسرین حمزه‌ای^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۲۷

چکیده

مسئله اقتصاد مقاومتی تدبیری هوشمندانه است که از سوی مقام معظم رهبری مطرح گردید و مفهومی است که برای مقاوم‌سازی، بحران‌زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود در اقتصاد مطرح شد. اقتصاد مقاومتی به دنبال آن است که با کاهش وابستگی‌ها و تأکید بر مزیت‌های تولید داخلی و تلاش برای خودکفایی زمینه توسعه و پیشرفت را مهیا سازد. در پژوهش حاضر مروری بر تعاریف و مفاهیم اقتصاد مقاومتی خواهیم داشت. همچنین در این مقاله با بررسی مفهوم نظام اقتصادی به تعریفی از بخش‌های تشکیل‌دهنده آن یعنی مکتب اقتصادی، نهادهای اقتصادی و علم اقتصاد خواهیم پرداخت، و به دنبال الگوی کامل برای اقتصاد مقاومتی خواهیم بود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اقتصاد اسلامی الگوی کامل برای اقتصاد مقاومتی است؛ زیرا اقتصاد در یک نظام اسلامی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علم اقتصاد و مکتب اقتصادی را توأمان دارد و از نهادهای اقتصادی و اجتماعی مناسب هم بهره‌مند می‌شود.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد مقاومتی، نظام اقتصادی، مکتب اقتصادی، نهادهای اقتصادی، علم

اقتصاد، اقتصاد اسلامی

طبقه‌بندی A10, A1, A:JEL

Hrk6809@gmail.com

۱. دکترای تخصصی مدیریت بازرگانی، استادیار دانشگاه محقق اردبیل

N.hamzei@student.uma.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد مدیریت سازمان‌های دولتی گرایش مالی اقتصادی

مقدمه

با ظهور انقلاب اسلامی، حکومت جدیدی در دنیا پدیدار شد که بنای سازگاری با قطب قدرت استکبار را نداشت و به مبارزه با آن پرداخت. ظهور چنین حکومتی در منطقه خاورمیانه که از لحاظ اقتصادی و ژئوپلیتیکی دارای اهمیت بسیار است، موجب شد که نظام استکبار جهانی با تمام قوا به مبارزه با انقلاب برخیزد. با پایان یافتن جنگ و عدم پیروزی استکبار در زمینه‌های نظامی، تهاجمات به عرصه‌های دیگر کشیده شد. یکی از این عرصه‌ها که به ویژه در سال‌های اخیر با تهاجمات گسترده همراه بوده، عرصه اقتصادی است {۱}. بنابراین، انقلاب اسلامی ایران مکلف به نوآوری و نظریه پردازی و الگوسازی در عرصه‌های جدید اقتصادی است. هر کشوری که علم استکبار ستیزی را برپا کند نیازمند چنین الگوهایی است. یکی از این مفاهیم اقتصاد مقاومتی است {۲}. بنا به تعریف برخی از اقتصاددانان از اقتصاد مقاومتی، این نوع اقتصاد معمولاً در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف‌کننده یک کشور قرار می‌گیرد که منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه ایستادگی نموده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی‌سازی آن براساس جهان‌بینی و اهداف دارد. اصطلاح اقتصاد مقاومتی را نخستین بار مقام معظم رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹ در دیدار با کار آفرینان مطرح کردند. مقام معظم رهبری سرانجام در بهمن ۱۳۹۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را ابلاغ کردند. متن ابلاغیه رهبر معظم انقلاب به رؤسای قوای سه گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به شرح زیر است: بسم‌الله الرحمن الرحیم ایران اسلامی با استعدادهای سرشار معنوی و مادی و ذخائر و منابع غنی و متنوع و زیرساخت‌های گسترده و مهم‌تر از همه، برخورداری از نیروی انسانی متعهد و کارآمد و دارای عزم راسخ برای پیشرفت، اگر از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است، پیروی کند نه تنها بر همه مشکلات اقتصادی فائق می‌آید و دشمن را که با تحمیل یک جنگ اقتصادی تمام عیار در برابر این ملت بزرگ صفا‌رایی کرده، به شکست و عقب‌نشینی وا می‌دارد، بلکه خواهد توانست در جهانی که مخاطرات و بی‌اطمینانی‌های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران‌های مالی، اقتصادی، سیاسی و... در آن رو به افزایش است، با حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست ساله، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو را محقق سازد و الگوی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد. اکنون با مذاقه لازم و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که در ادامه و تکمیل سیاست‌های گذشته، خصوصاً سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و با چنین نگاهی تدوین شده و راهبرد حرکت صحیح اقتصاد کشور به سوی این اهداف عالی است، ابلاغ می‌گردد. لازم است قوای

کشور بی‌درنگ و با زمان‌بندی مشخص، اقدام به اجرای آن کنند و با تهیه قوانین و مقررات لازم و تدوین نقشه راه برای عرصه‌های مختلف، زمینه و فرصت مناسب برای نقش‌آفرینی مردم و همه فعالان اقتصادی را در این جهاد مقدس فراهم آورند تا به فضل الهی حماسه اقتصادی ملت بزرگ ایران نیز همچون حماسه سیاسی در برابر چشم جهانیان رخ نماید. از خداوند متعال توفیق همگان را در این امر مهم خواستارم. سیدعلی خامنه‌ای ۲۹/بهمن/ماه/۱۳۹۲

اقتصاد مقاومتی ادبیاتی است که در مقابله با تحریم‌های بین‌المللی مطرح شده است. هم اکنون اقتصاد ایران باید برمبنا و اصول درستی گام نهد تا از این رهگذر بتواند بر تحریم‌های بین‌المللی فائق آمده و تهدید تحریم را به فرصت تبدیل کند. آن اصول و مبناهایی که اقتصاد ایران باید داشته باشد، ادبیاتی را به نام اقتصاد مقاومتی ایجاد کرده است. با توجه به تأکید مقام معظم رهبری بر لزوم در اولویت قرار دادن الگوها و اصول اقتصاد مقاومتی در ساختار اقتصادی و صنعتی کشور، بدیهی است که در همه حوزه‌های مدیریتی و اجرایی باید مکانیزم‌های این الگوی اقتصادی تبیین و محقق شود. در ادبیات اقتصادی جهان، اقتصاد مقاومتی مفهومی جدید است اگر چه کمتر بر آن تأکید شده است. با این وجود اصطلاحات و نظریه‌هایی را می‌توان ذکر نمود که نزدیکی و شباهت با آن دارند. نظریه "فتریت اقتصادی" بریگاگیو از جمله آن‌هاست. بریگاگیو بیان می‌دارد که اصطلاح فتریت اقتصادی به دو مفهوم به کار می‌رود: اول، توانایی اقتصاد برای بهبود سریع از شوک‌های اقتصادی تخریب‌کننده خارجی، دوم، توانایی اقتصاد برای ایستادگی در برابر آثار این شوک‌ها {۳}.

در ایران نیز آثار کمی به تبیین اقتصاد مقاومتی پرداخته‌اند و فقط در سال‌های اخیر پس از در دستور کار قرار گرفتن اقتصاد مقاومتی مقالاتی راجع به آن نوشته شده است، با این حال ادبیات موجود کماکان ناکافی است و لازم است نظریه اقتصاد مقاومتی بیشتر و به صورت علمی تبیین و جرح و تعدیل گردد. از جمله مقالاتی که به این موضوع پرداخته‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اله مراد سیف در مقاله الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری می‌نویسد: در موضوع اقتصاد مقاومتی تعابیر متنوع و متفاوتی در ادبیات اقتصادی رایج شده است. تعبیری که معنای اصطلاحی (و نه لغوی) آن را به تعریف مقام معظم رهبری نزدیک می‌کند. این مقاله به ادبیات فتریت اقتصادی پرداخته و الگوی مربوط را (فتریت اقتصادی) مورد بحث نظری قرار داده است. در ادامه، ریسک تخریب اقتصاد ملی و نیز سناریوهای رفتاری کشورها در این راستا مورد بحث قرار گرفته و محورهای چهارگانه فتریت اقتصادی بیان شده است. در بخش دیگر مقاله مفهوم اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران باتوجه به بیانات مقام معظم رهبری تشریح شده و مبتنی بر این بیانات، الگویی برای اقتصاد

مقاومتی جمهوری ایران شامل مؤلفه‌های رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی، ثبات اقتصادی و فزاینده اقتصادی پیشنهاد شده است. همچنین دکتر سیف در ادامه مقاله راهبردهای چهارگانه مقابله، خنثی‌سازی، جذب و ترمیم و پخش و تضعیف منطبق بر مسئله تحریم اقتصادی غرب را تشریح و مصادیق آن‌ها را معرفی کرده است {۴}. سید حسین میرمعزی در مقاله اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن با تأکید بر دیدگاه رهبری در صدد ارائه تفسیری روشن از اقتصاد مقاومتی است و به دنبال آن است تا آن را در قالب نظری‌های منسجم توضیح دهد و معتقد است که اقتصاد مقاومتی شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام است که در وضعیت حمله هم‌جانبه اقتصادی دشمن که کیان نظام اسلامی را به خطر می‌اندازد، پدید می‌آید. وی تأکید می‌کند که در نظام اقتصادی اسلام در این وضعیت با تغییر در الویت هدف‌ها و به تبع آن در اصول راهبردی و سیاست‌های کلان و حاکمیت روحیه جهاد بر رفتارهای اقتصادی دولت و مردم، راهبردی کلان طراحی می‌شود که تهدید را تبدیل به فرصت کرده و باعث رشد جهشی می‌شود {۵}.

محمدحسین حسین‌زاده بحرینی، در مطلبی تحت عنوان "اقتصاد مقاومتی؛ راهکاری برای توسعه" اقتصاد مقاومتی را یک اصطلاح ابداعی و نوآورانه می‌داند که مثل یک موجود زنده مراحل رشد را طی می‌کند. به ویژه ایشان به مرحله گفتمان‌سازی در اقتصاد مقاومتی اشاره می‌کنند که از رهگذر گفتگوهای علمی و نقادانه بهترین تبیین و معنا را پیدا می‌کند و حدود و ثغور آن مشخص می‌شود. وی تقلیل اقتصاد مقاومتی به مقاومت اقتصادی را درست نمی‌داند و آن را آغاز یک انحراف در فرایند گفتمان‌سازی فوق می‌داند. وی اقتصاد را نه هدف بلکه وسیله می‌داند که باید مسیرهای درستی در این راه برگزیده شوند {۶}.

سیدمرتضی هزاوئی و علی زیرکی حیدری در مقاله اقتصاد مقاومتی؛ نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران می‌نویسند با وقوع انقلاب اسلامی تلاش‌های بسیاری در جهت تحول در وضعیت توسعه نیافتگی ایران صورت گرفت که با موفقیت همراه نبوده است، به همین دلیل در شرایط کنونی طرح ایده و نظریه اقتصاد مقاومتی به مثابه الگویی از مدیریت جهادی از سوی رهبر انقلاب اسلامی و در پاسخ به فشار وارد کردن به اقتصاد ایران ارائه شده است. نویسندگان معتقدند که اقتصاد مقاومتی می‌تواند عامل مؤثری برای ایجاد تحول اساسی در اقتصاد سیاسی ایران باشد {۷}. عسگری هم در یادداشتی می‌نویسد، بدیهی است که تعریف یک راهبرد اقتصادی به نام "اقتصاد مقاومتی" به نسبت تعامل نظام اسلامی با نظام اقتصادی جهانی از سویی و تقابل و روبرویی یا به عبارت بهتر مقاومت در برابر خواسته‌های استکبار جهانی و عدم پذیرش سلطه آنان، مرتبط است. اقتصاد کشوری که دارای جهان‌بینی خاصی است و این جهان‌بینی با منافع ابر قدرت‌های روز دنیا در تضاد است اقتصاد خاصی خواهد بود، چرا که دشمنی با چنین کشوری پایدار

بوده و در هر دوره‌ای به شکلی بروز می‌یابد. از این روی باید همه راهبردها و سیاست‌های کشوری مثل ایران به گونه‌ای طراحی شود که از کیان آن در برابر تهدیدها حفاظت کند و مسیر رسیدن به اهداف کشور را هموار سازد. جمهوری اسلامی ایران که همیشه در معرض دشمنی قرار داشته و در برابر آن‌ها مقاومت کرده است باید اقتصادی متناسب با این وضع داشته باشد که از آن به اقتصاد مقاومتی تعبیر می‌شود. وقتی نظامی مانند نظام جمهوری اسلامی در جبهه مقاومت در برابر استکبار و صهیونیسم جهانی است و امنیت نظام اسلامی در چارچوب مقاومت در برابر نظام سلطه تعریف می‌شود باید دیگر زیرمجموعه‌های نظام مانند: ساختارهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی نظام اسلامی ضرورتاً با همین مفروضه و شرایط مقاومت در برابر استکبار جهانی شکل گیرد و عمل کند {۸}. دکتر رهبر و همکارانش هم در مقال‌های تحت عنوان "رهیافتی بر هستی‌شناسی اقتصاد مقاومتی" موضوع اقتصاد مقاومتی را مدنظر قرار داده و تلاش دارند از منظر و دیدگاه اسلامی آن را بررسی نمایند. آن‌ها اقتصاد مقاومتی را اقتصادی می‌دانند که اجازه رشد را در شرایط تحریم و فشار می‌دهد {۹}.

این مقاله در صدد است که با مروری اجمالی بر تعاریف و مفاهیم اقتصاد مقاومتی، دید کلی از آن بدست دهد و بعد به مسئله اقتصاد در جامعه اسلامی و بررسی مفهوم نظام اقتصادی بپردازد و تعریفی از بخش‌های تشکیل‌دهنده آن که شامل علم اقتصاد، مکتب اقتصادی و نظام اقتصادی است داشته باشد و سپس نتیجه‌گیری می‌شود که اقتصاد مقاومتی محصول اقتصاد اسلامی است و هر اقتصاد اسلامی ذاتاً مقاومتی است بنابراین مناسب‌ترین راه برای تحقق اقتصادی پویا و مقاوم؛ پیگیری و اجرای اقتصاد اسلامی خواهد بود.

تعاریف اقتصاد مقاومتی

هنگامی که بحث اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، تصور ما از اقتصاد نوعی اقتصاد اسلامی است که ریشه در جهان‌بینی توحیدی دارد و مقوله‌های مادی، معیشت و معنویت را در یک تفسیر و یک الگوی خاص دنبال می‌کند. آن‌چه که از روایات و آیات ما استنتاج می‌شود این است که اقتصاد در مفهوم اندیشه اسلامی یک مفهوم و یک مقوله توازنی، هم در مقوله مادی و هم در مقوله معیشت، است. در تفکر اسلامی هر تلاشی برای ایجاد توازن در معیشت امری اقتصادی محسوب می‌شود. این توازن، قلمروهای مختلفی دارد. ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که مبادله در آن وجود دارد و در این مبادله هزینه، منافع و درآمد وجود دارد. از این رو در تفکر اسلامی اقتصاد برابر است با توازن در زندگی و معیشت. اقتصاد از این حیث، نوعی بی‌نیازی است؛ یعنی می‌بایست به کمک توازن‌ها نیازها را رفع کنیم. نخستین مفهوم قابل استنباط از اقتصاد مقاومتی این است که ما در جهانی زندگی

کنیم که دشمن در عرصه‌های مختلف حضور دارد؛ یکی از این عرصه‌ها، فعالیت اقتصادی است. به عبارت دیگر در یک میدان رقابتی، تعاملی و تخصیصی قرار داریم که می‌بایست جهت نیل به اهداف این فضا را مدیریت کنیم. از این رو وقتی می‌گوییم اقتصاد مقاومتی یعنی این که ما می‌خواهیم از حیثیت و هویت خودمان در مقابل دشمن یا رقیب دفاع کنیم و باید هر الزامی را که این مقاومت و دفاع نیاز دارد، وارد برنامه‌ریزی و استراتژی‌های اقتصادی خود کنیم. با این تعریف اقتصاد مقاومتی به نظام اقتصادی ملت، یا گروه اجتماعی مقاومتی اشاره دارد که در راستای احقاق حقوق خود یا پیگیری اهداف سیاسی که از نظر آن‌ها برحق است، مبارزه می‌کنند. هرچقدر اقتصاد ملت یا گروه اجتماعی مقاوم، به آن‌ها در راستای تحقق اهداف مقاومت بیشتر یاری برساند مقاومتی‌تر است. قاعداً در چنین فضایی هم دشمن بیرونی وجود دارد و هم دشمن داخلی و از طرف دیگر امکانات بیرونی و داخلی نیز فراهم است. این را اقتصاد مقاومتی می‌گوییم، یعنی اقتصادی که این نوع مؤلفه‌ها را به خوبی می‌فهمد و جامعه را براساس آن مدیریت می‌کند. اقتصاد مقاومتی با اقتصاد اسلامی بیگانه نیست، بلکه می‌توان گفت یک نوع مکمل اقتضایی آن است که به ضرورت زمان فعلی ما باز می‌گردد و در شرایط فعلی تحریم ضرورت آن دو چندان است {۱۰}.

ضرورت تعریف از آن‌جا نشأت می‌گیرد که اغلب این موضوع با «اقتصاد ریاضتی» اشتباه گرفته می‌شود. این موضوع چنان که از قید اضافی مقاومت پیداست، از مقوله دفاع در کشمکش‌های اقتصادی می‌باشد و چنان‌چه نویسندگان و یکپیدا اظهار می‌دارند: «روشی است برای مقابله با تحریم‌ها علیه یک منطقه یا کشور تحریم شده، در شرایطی که صادرات و واردات هیچ کدام برای آن کشور مجاز نمی‌باشد». در اقتصاد مقاومتی اولویت نخست تحلیل نقطه‌های فشار است؛ یعنی بررسی کنیم قدرت خارجی در استفاده از حربه تحریم روی چه مسائلی حساسیت دارد؟ به طور کلی آن‌ها نقاط ضعف و نشانه وابستگی ما به بیگانگان بوده که دشمن شناسایی کرده است، که ما باید روی آن‌ها تمرکز کنیم تا از این طریق ضعف‌ها را به قوت، و تهدیدها را به فرصت تبدیل کنیم. بنابراین در رأس هرم سیاست اقتصاد مقاومتی، تشخیص حوزه‌های فشار و تلاش برای کنترل و بی اثر کردن آن‌ها می‌باشد؛ و ما برای رسیدن به اهداف اقتصاد مقاومتی، باید وابستگی‌های خود را با تأکید بر تولید داخلی و تلاش برای خوداتکایی، به تدریج کاهش دهیم تا در نهایت به نقطه صفر برسند. همچنین «مهم‌ترین شیوه ابزاری در اقتصاد مقاومتی و مقابله با کارتل‌ها و دلالان اقتصادی دشمن، مردمی کردن اقتصاد، مصرف و خرید تولیدات داخلی به وسیله مردم است، زیرا رونق تولید و سرمایه‌گذاری درگرو استقبال آن‌ها از تولیدات داخلی است. در ضمن به این نکته باید توجه داشته باشیم که اگر نتوانیم زمینه‌های سرمایه‌گذاری مطمئن را در کشور فراهم آوریم، نه تنها

نسبت به جذب سرمایه‌گذاران خارجی ناتوان خواهیم بود، که سرمایه‌گذاران داخلی را نیز از دست خواهیم داد {۱۱}.

مبانی اقتصاد مقاومتی

اعمال تحریم‌های یک جانبه و غیرقانونی همواره یکی از ابزارهای غیرقانونی نظام سلطه برای وارد آوردن فشار به نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است، کما این که اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از تسخیر لانه جاسوسی ایالات متحده، آمریکا قانون تحریم نظام جمهوری اسلامی ایران را به اجرا گذاشت و در طول ۳۰ سال گذشته نیز مرتباً بر حجم این تحریم‌ها افزوده شد. رهبر معظم انقلاب بعدها مدل اصلی برای اقتصاد کشور را مدل اقتصاد مقاومتی عنوان کردند و در جمع کارآفرینان کشور در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۸۹ به تشریح این مسئله پرداختند. ایشان در این دیدار با اشاره به ضرورت توجه به مدل جدیدی از اقتصاد به نام اقتصاد مقاومتی تصریح کردند: "ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم. امروز کارآفرینی معناش این است. دوستان درست گفتند که ما تحریم‌ها را دور می‌زنیم؛ بنده هم یقین دارم ملت ایران و مسئولین کشور تحریم‌ها را دور می‌زنند، تحریم‌کنندگان را ناکام می‌کنند؛ مثل موارد دیگری که در سال‌های گذشته در زمینه‌های سیاسی بود که یک اشتباهی کردند، یک حرکتی انجام دادند، بعد خودشان مجبور شدند برگردند، یکی یکی عذرخواهی کنند. چند مورد یادتان هست لابد دیگر. حالا جوان‌ها نمی‌دانند. در این ده بیست سال اخیر، از این کارها چند بار انجام دادند. این دفعه هم همین‌جور است. البته تحریم برای ما جدید نیست، ما ۳۰ سال است تو تحریمیم. همه این کارهایی که شده است، همه این حرکت عظیم ملت ایران، در فضای تحریم انجام گرفته؛ بنابراین کاری نمی‌تواند بکنند. خب، ولی این دلیلی است برای همه مسئولان و دلسوزان کشور که خود را موظف بدانند، مکلف بدانند به ایجاد کار، به تولید، به کارآفرینی، به پر رونق کردن روزافزون این کارگاه عظیم؛ که کشور ایران حقیقتاً امروز یک کارگاه عظیمی است. همه خودشان را باید موظف بدانند". ایشان اقتصاد مقاومتی را مدلی می‌دانند که همراه باشد با مقاومت در مقابل کارشکنی دشمن، خباثت دشمن، معنایش حصار کشیدن دور خود و فقط انجام یک کارهای تدافعی نمی‌داند بلکه اقتصادی است که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد حتی در شرایط تحریم و فشار هم رشد کند و شکوفایی داشته باشد. هم روند رو به رشد اقتصادی محفوظ می‌ماند و هم آسیب‌پذیری آن کاهش می‌یابد {۱۲}.

اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی است که هماهنگ با سیاست‌های کلان سیاسی و امنیتی نظام اسلامی و برای مقاومت در برابر اقدامات تخریبی شکل بگیرد تا بتواند در برابر ضربات اقتصادی

تحریم‌ها و توطئه‌های گوناگون اقتصادی نظام استکبار مقاومت کرده و توسعه و پیشرفت خود را ادامه دهد و روند روبه رشد همه جانبه خود را در ابعاد ملی، منطق‌های و جهانی حفظ کند. اقتصاد مقاومتی رابطه نزدیکی با انسجام ملی دارد. منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته به طوری که کشور ضمن مقاومت در مقابل موانع و ناملایمات مسیر خود، روند پیشرفت پایدار خود را حفظ کند {۸} مفهوم اقتصاد مقاومتی به این معناست که حتی در فرایند فشار روند روبه رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند و آسیب‌پذیری آن کاهش یابد و کمتر آسیب ببیند {۴}.

هدف اقتصاد مقاومتی بازسازی و احیای اقتصاد ملی است. این نوع اقتصاد، مردمی است و از ظرفیت‌های مردم و نخبگان در آن استفاده می‌شود، ضمن این‌که از دانش فنی دنیا هم در آن استفاده می‌شود {۱۳}. اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصادی که با توجه به همه قوت‌ها و ضعف‌های داخلی و خارجی و تهدیدها و فرصت‌های بیرونی سناریوسازی می‌کند و برای هر شرایطی برنامه دارد و محیط سنج است و درون و برون را به خوبی می‌شناسد و برای تغییرات واکنش مناسبی دارد {۶}.

چهار راهبرد کنترل، مهار، کم اثر و در نهایت بی اثرسازی تهدیدها در فرایند اقتصاد مقاومتی باید مورد توجه قرار گیرد {۱۴}.

اقتصاد مقاومتی یک بحث تئوریک محض مختص دانشگاه و حوزه نیست، بلکه بیشتر اقتصاد کاربردی است. اقتصاد مقاومتی یک شعار نیست، یک واقعیت اقتصادی است که شاخص‌های آن ریشه در عمل دارد، نه حرف. این دیدگاه جدید به اقتصاد را می‌توان با واژه اقتصاد مقاومتی به مجامع علمی معرفی کرد و حتی در مفهوم دقیق‌تر، می‌توان از واژه اقتصاد سیاسی مقاومتی استفاده کرد و برای ارزیابی آن شاخص‌های اقتصاد سیاسی را تعریف و استخراج نمود، زیرا این واژه یک مفهوم اقتصاد سیاسی است تا یک مفهوم اقتصادی و در پی راه حل‌های اقتصاد سیاسی می‌باشد که در عمل و کاربرد بتواند مبتنی بر اقتصاد اسلامی باشد تا نه تنها بحران‌های ایجاد شده در عرصه اقتصاد سیاسی فائق آید بلکه مسیر اقتصاد را در جهتی قرار دهد که آمادگی و آینده‌نگری لازم نیز اتخاذ شده باشد {۱۵}.

هدف از اقتصاد مقاومتی چیست؟

هدف در اقتصاد مقاومتی استفاده از توان داخلی و مقاومت در مقابل تحریم‌ها با ایجاد کمترین بحران است. به تعبیر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اقتصاد مقاومتی برای کشور، در هر شرایطی اعم از تحریم یا غیرتحریم ضروری است، و این به معنای آن است که بنیان اقتصادی کشور باید به گونه‌ای

سامان‌دهی شود که تکانه‌های جهانی در آن اثرگذار نباشد {۱۶}. بر این اساس، مقاومت برای رد کردن فشارها و عبور از سختی‌ها برای رسیدن به نقاط مثبت ملی، شرط لازم تحقق اقتصاد مقاومتی است.

نکات ویژه در اقتصاد مقاومتی

- منظور از اقتصاد واقعی یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته. چنان‌که مقاومت برای دفع موانع پیشرفت و کوشش در مسیر مهم حرکت و پیشرفت تعریف می‌شود (جانستون، ۲۰۰۵).
- اقتصاد مقاومتی باید الهام گرفته از نظام فرهنگی اسلامی و مبتنی بر فرهنگ دینی باشد.
- توجه ویژه به توان و قدرت و استعداد و ظرفیت ملت در این موضوع ضروری است.
- اقتصاد مقاومتی نیازمند مقاومت مدبرانه است.

مفهوم اقتصاد مقاومتی و تفاوت آن با ریاضت اقتصادی

اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار یا در شرایط کنونی تحریم و در پی آن تلاش برای کنترل و بی اثر کردن و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت که به طور قطع باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خود اتکایی است.

ریاضت اقتصادی به طریحی گفته می‌شود که دولت‌ها برای کاهش هزینه‌ها و رفع کسری بودجه، به کاهش و یا حذف ارائه برخی خدمات و مزایای عمومی دست می‌زنند. این طرح که به منظور مقابله با کسری بودجه توسط برخی دولت‌ها انجام می‌شود گاهی اوقات به افزایش میزان مالیات و افزایش دریافت وام‌ها و کمک‌های مالی خارجی می‌انجامد. اقتصاد مقاومتی مفهومی است که در پی مقاوم‌سازی، بحران‌زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می‌شود که به طور قطع باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه، پیش‌شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خود اتکایی است. در چند سال اخیر با شدت یافتن تحریم‌های غرب علیه جمهوری اسلامی ایران با هدف متوقف کردن برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، واژه‌ی جدید «اقتصاد مقاومتی» به ادبیات اقتصادی کشور افزوده شد. از آن‌جا که این اصطلاح نخستین بار به وسیله مقام معظم رهبری مطرح شده است، لازم است تبیین مفهوم آن نیز مستند به بیانات ایشان

باشد. «اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصاد داشته باشیم که هم روند روبه رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش یابد؛ یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی طوری باشد که در برابر ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های گوناگون خواهد بود کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند» {۱۶}.

برخی از مهم‌ترین محورهای اساسی و مهم اقتصاد مقاومتی

۱- حمایت از تولید ملی

تأکید مقام معظم رهبری بر ضرورت تداوم تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی مبین وظیفه برای دولت، دست اندرکاران تولید و مردم می‌باشد، حلقه‌ای که نحوه تعامل آن‌ها بر روی هم تأثیر مستقیم دارد و نتیجه نهایی آن به این تعامل وابسته است؛ یعنی هرچقدر که مردم را تشویق به خرید کالای داخلی کنیم، اما کیفیت تولید کالای داخلی پایین باشد در عمل مردم به خرید کالای تولید داخلی رغبت نخواهند داشت. اگر هم تولیدکننده برای تولید کالای باکیفیت تلاش کند، اما دولت و سیستم بانکی کشور خدمات پولی و مالی ارائه ندهند و یا قوانین اقتصادی فضای کسب و کار را دشوار کند و یا مردم نسبت به کالای داخلی بی‌رغبت باشند، بازهم نتیجه منفی خواهد بود. بنابراین، باید تمام ارتباطات این حلقه باهم اصلاح شده و در راستای افزایش تولید ملی بهبود پیدا کند {۱۶}.

۲- سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

محدودسازی اقتصاد دولتی و آزادسازی اقتصاد، از پیامدهای مهم اصل ۴۴ قانون اساسی است. اقتصاد مقاومتی فعال و پویا نیازمند برنامه‌ریزی استراتژیک و راهبردی، مبتنی بر مردمی کردن اقتصاد از طریق میدان دادن بیشتر به فعالان بخش خصوصی و رفع موانع و مشکلات این بخش می‌باشد. بخش خصوصی به عنوان موتور و محرک اصلی رشد اقتصادی و صنعتی است که با به کارگیری سرمایه خود و جذب و مشارکت سرمایه‌های غیردولتی، استفاده بهینه از منابع انسانی و اعمال مدیریت کارآمد، ضمن ایفای نقش خود در رشد اقتصادی و صنعتی کشور می‌تواند اهداف توسعه‌ای دولت را محقق نماید. اقتصاد مقاومتی بر پایه و اساس سرمایه معنوی افراد و جامعه استوار است و بخش خصوصی بدون شک برترین بستر برای همراهی مردم، به عنوان اصلی‌ترین ارکان مقاومت در جامعه برای مقابله در برابر تحریم‌هاست.

۳- توجه به نخبگان و استفاده از فناوری‌ها و تکنولوژی‌های نوین

نخبه به فرد برجسته و کارآمدی اطلاق می‌شود که اثرگذاری وی در تولید علم، هنر و فناوری کشور محسوس باشد و هوش، خلاقیت، کارآفرینی و نبوغ فکری وی در راستای تولید دانش و

نوآوری موجب سرعت بخشیدن به رشد و توسعه علمی و متوازن کشور گردد. زمانی که فناوری‌های نوین مشمول تحریم قرار می‌گیرند و کشورهای دشمن اجازه نمی‌دهند این فناوری‌ها به ایران برسند، اگر از نخبگان حمایت شود می‌توان این فناوری‌ها را تبدیل به فعالیت تجاری کرد. فراهم نمودن زمینه‌ها و امکانات مناسب برای نخبگان در عرصه صنعت، تجارت و کشاورزی از ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی است {۱۷}.

الگوهای اقتصاد مقاومتی

در خصوص اقتصاد مقاومتی می‌توان ۵ الگو به صورت زیر ارائه داد:

۱- اقتصاد موازی

الگوی اول از اقتصاد مقاومتی الگوی اقتصاد موازی است؛ یعنی همان‌طور که انقلاب اسلامی با توجه به نیاز خود به نهادهایی با روحیه و عملکرد انقلابی اقدام به تأسیس نهادهایی مانند کمیته امداد، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و بنیاد مسکن نمود، امروز نیز می‌بایست برای تأمین اهداف انقلاب این پروژه را ادامه داده و تکمیل کند؛ چرا که انقلاب اسلامی به اقتصاد مقاومتی و به نهادهای مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد که در عمل از عهده نهادهای رسمی اقتصادی بر نمی‌آید. به عنوان مثال می‌توان از حضور همزمان نهادهای دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد، خیریه و بنگاه‌های خصوصی در عرصه بهداشت و سلامت یا حتی در عرصه دفاعی و امنیتی کشورهای توسعه یافته غربی نام برد. البته مهم‌ترین محدودیت این الگو این است که حسب نیازهای خاص انقلاب اسلامی و در عرصه اجرا با پرسش‌های نوینی رو برو خواهد بود، زیرا به عنوان مثال هیچ تصویری از بانک مرکزی موازی در یک کشور و سامان بخشی به عرصه پولی- مالی کشور در بخش‌های دولتی و عمومی وجود ندارد، اما باز هم نمی‌توان این الگو را در زمره مدل‌های اداره نشدنی و غیرمعقول به حساب آورد.

۲- اقتصاد ترمیمی

الگوی دوم از اقتصاد مقاومتی عبارت از اقتصادی است که در پی مقاوم‌سازی، آسیب‌زدایی، خلل‌گیری و ترمیم ساختارها و نهادهای اقتصادی است. ترمیم و مقاوم‌سازی ساختارهای اجرایی و اداری کشور برحسب نیازهای مختلف و مقتضیات زمان و مکان هم امری دور از ذهن نیست. کشورهای توسعه یافته نیز در دوره‌هایی از تاریخ اقتصادی خود مجبور به مقاوم‌سازی ساختارهای اقتصادی شدند؛ به عنوان مثال غرب پس از شوک نفتی ۱۹۷۹ و ۱۹۸۳، اقدام به جایگزینی سوخت‌های فسیلی با سایر سوخت‌های نوین نمود به طوری که امروزه با قیمت‌های بالای ۱۰۰ دلار نیز دچار شوک نفتی نمی‌شود {۱۸}.

۳- اقتصاد دفاعی

الگوی سوم از اقتصاد مقاومتی، متوجه هجمه‌شناسی، آفندشناسی و پدافندشناسی ما در برابر آن هجمه است. بنابراین زمانی به اقتصاد مقاومتی دست یافته‌ایم که ابزارها و شیوه‌های هجمه دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و براساس آن‌ها استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم. بدیهی است تا آفند دشمن شناخته نشود، مقاومت متناسب با آن نیز طراحی و اجرا نخواهد شد.

۴- اقتصاد الگو

چهارمین الگو نیز این است که اساساً اقتصاد مقاومتی تنها یک رویکرد کوتاه مدت سلبی و اقدامی پدافندی نیست؛ برخلاف الگوی قبلی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یا کوتاه مدت می‌دانستند، این رویکرد چشم اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می‌شود. در این رویکرد ما در پی اقتصاد ایده آلی هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه نخست اقتصاد منطقه برساند؛ اقتصادی که برای جهان اسلام الهام بخش و کار آمد بوده و زمینه‌ساز تشکیل تمدن بزرگ اسلامی باشد. بر این اساس در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یکی از مؤلفه‌های مهم الگو می‌بایست متضمن مقاومت و تحقق آن باشد. در این مقوله است که اقتصاد مقاومتی مشتمل بر اقتصاد کارآفرینی و ریسک‌پذیری و نوآوری می‌شود {۱۵}.

۵- اقتصاد کار آفرینی و تحقیق و توسعه

پنجمین الگو از اقتصاد مقاومتی، مسئله کار آفرینی و فرایند تحقیق و توسعه است. در این بخش که نقطه عطف تمام این موارد پنج‌گانه محسوب می‌شود، اصل بحث مربوط به نوآوری و تحقیق و توسعه و همچنین کارآفرینی داخلی است. در این زمینه باید برنامه‌ریزی جامع و مدونی انجام شود تا هم زمینه تحقیق و توسعه فراهم شود و فرایند تخصیص بودجه برای این کار اصلاح و تسهیل شده و زمینه‌های کارکردی آن نیز مورد توجه قرار گیرد و هم تدابیری اندیشیده شود که متخصصان و استعدادهای برتر در داخل کشور جذب شوند و امکاناتی در اختیارشان قرار گیرد تا رغبت این افراد برای فعالیت در داخل کشور افزایش یافته و تکنولوژی که در کشورهای پیشرفته به طور مرتب در حال به روز شدن است در داخل و با استفاده از تقویت فرایند تحقیق و توسعه انجام شود {۱۷}.

نظام اقتصادی

تعاریفی که برای نظام اقتصادی بیان شده است عبارت‌اند از:
الف) نظام اقتصادی مجموعه مرتبط و منظم عناصری است که به منظور ارزشیابی و انتخاب در زمینه تولید، توزیع و مصرف برای کسب بیشترین موفقیت فعالیت می‌کند {۱۹}.

ب) نظام اقتصادی یک الگوی عملی اقتصادی متشکل از ابعاد مختلف و نهادهای متفاوت است که برای رسیدن به هدف مشخص با یکدیگر هماهنگ باشند {۲۰}.

ج) نظام اقتصادی مجموعه‌ای هماهنگ از پدیده‌های اقتصادی و قواعد حاکم بر آن‌هاست. وظیفه هر نظام ایجاد هماهنگی و توازن میان نهادهای مختلف برای حرکت از وضع موجود به سمت مطلوب است. در این تحقیق منظور از نظام اقتصادی، نظامی است که با به کارگیری قواعد اقتصادی نظام الهی، در ارتباط با سایر نظام‌ها و استفاده از ابزارهای اقتصادی وظیفه تأمین، توزیع و مصرف جامعه را بر عهده دارد. هر نظام اقتصادی با این تعریف شامل سه بخش عمده می‌شود: مکتب اقتصادی، نهادهای مرتبط با اقتصاد و علم اقتصاد.

مکتب اقتصادی

مکتب، مجموعه اندیشه‌ها و افکاری است که جمعی از آن پیروی می‌کنند {۲۰}. مکتب اقتصادی رشته افکار مبتنی برروش معین در باب جنبه‌های اساسی رفتار اقتصادی است مثلاً مکاتب کلاسیک، شیکاگو و... . مکتب اقتصادی مجموعه‌ای از قوانین و مقررات و بایدها و نبایدهای اقتصاد را معین می‌کند و شامل فلسفه اقتصادی، اخلاق اقتصادی، سیاست اقتصادی، فقه اقتصادی، فرهنگ اقتصادی و... در نظام اقتصادی اسلام است. هر کدام از این عناصر در جای خود و همه آن‌ها به عنوان یک مجموعه، مکتب اقتصادی را تشکیل می‌دهند. حلال و حرام و... از فقه اقتصادی، سیاست‌های اقتصادی (حتی گاهی سیاست‌هایی مثل سیاست‌های پولی و مالی) منبعث و برگرفته از مکتب اقتصادی است.

نهادهای اجتماعی - اقتصادی

نهادهای اجتماعی ساختارها و سازوکارهای نظم و همکاری هستند که رفتار گروه‌های انسانی را در اجتماعات معین راهبری می‌کنند. نهاد اجتماعی معمولاً برای اشاره به آداب و رسوم و الگوهای رفتاری است که برای جامعه و همچنین سازمان‌های رسمی خاص دولتی و خدمات عمومی اهمیت دارد و به کار می‌رود. نهادهای مدنی در راستای ایجاد قابلیت در جهت توسعه مبانی فرهنگی و اجتماعی در کشورها بوجود می‌آید. مشخصه اصلی نهادهای مدنی، غیردولتی بودن آن‌ها و عدم وابستگی تشکیلاتی و مالی به حاکمیت سیاسی و ارگان‌های دولتی کشور است. نهادهای مدنی شامل احزاب و انجمن‌های صنفی است. به طور خلاصه نهادها مجموعه قوانین و مقررات رسمی و غیررسمی در جامعه و نیز سازمان‌هایی است که آن‌ها را اجرا می‌کنند. بنابراین نهادهای تأثیرگذار بر پدیده‌های اقتصادی در جامعه دو دسته‌اند: دسته اول، نهادهای منبعث و برخاسته از ساختار

حاکمیت در نظام اقتصادی (نهادهای رسمی) و دسته دوم نهادهای شکل گرفته در جامعه براساس آداب و رسوم، فرهنگ... و (نهادهای غیررسمی). البته نهادها از هر نوع و شکل، تحت تأثیر مکتب حاکم بر جامعه خواهند بود و نهادهای مقبول و مطلوب در نظام اسلامی نهادهایی خواهند بود که حداقل با اصول و ارزش‌های مکتبی مغایرت نداشته باشند ولو این که به عنوان واقعیت در جامعه وجود داشته باشند.

علم اقتصاد

اقتصاد، علم تخصیص بهینه منابع محدود برای برآورده کردن هر چه بیشتر نیازهای بشر است و علم کشف رابطه بین پدیده‌های اقتصادی است. نیازهای بشر یا علاقه به توسعه و رفاه باعث پیدایش و رشد علوم به خصوص علم اقتصاد شده است. "تدبیر منزل" یا تدبیر معاش تعریف درستی بوده که ابتدا برای علم اقتصاد گفته‌اند. آرمز آن را تخصیص بهینه منابع می‌گویند که همان مفهوم است. اقتصاد، علم مطالعه رفتار اقتصادی افراد (حقیقی و حقوقی) است. مصرف‌کننده اغلب به دنبال افزایش مطلوبیت خویش است. تولید کننده با هدف کسب درآمد و سود به تولید همت می‌گمارد. علم اقتصاد شیوه بهینه تولید، توزیع و مصرف را تبیین می‌کند، این که کالایی چگونه تولید شود که با کمترین هزینه بیشترین محصول حاصل شود، چگونه توزیع شود تا رفاه حداکثر شود و تحلیل مصرف بر این اساس که چگونه تقاضای بهینه مصرف‌کننده تحت تأثیر عوامل مختلف شکل می‌گیرد، در حوزه علم اقتصاد قرار دارد. علم اقتصاد ابزار بهینه‌سازی وضعیت اقتصادی (فرد و جامعه) است که در چارچوب قیده‌ها و محدودیت‌های مکتب اقتصادی و با در نظر گرفتن ملاحظات نهادی عمل می‌کند. به عبارت دیگر رعایت قوانین مکتب و قواعد نهادهای اجتماعی حیطه تبیینی علم اقتصاد در هر جامعه است. علم اقتصاد مثل هر علم دیگری سیر تکاملی دارد. این علم مبتنی بر شرایط زمان، مکان، نیازها و تجربیات بشر است. براساس فرضیاتی، نظریاتی داده می‌شود گاهی درست است یا حداقل در مقطعی درست عمل می‌کند و گاهی هم نیست. در هر صورت در فرایند زمان و تجربیات بشر تغییر می‌یابد و کامل می‌شود. علم اقتصاد نمی‌تواند مبنای قضاوت‌های ارزشی قرار گیرد؛ زیرا خواستگاه مسائل ارزشی مکتب است و علم اقتصاد صرفاً به روابط علت و معلولی بین پدیده‌ها می‌پردازد {۲۰}. از این رو علم اقتصاد جنبه مذهبی و مکتبی ندارد و نمی‌توان آن را اسلامی یا سرمایه‌داری دانست. علم اقتصاد روش و ابزار در خدمت مکتب برای تحقق آرمان‌ها در قالب یک سیستم اقتصادی است. از علم اقتصاد نباید انتظار علت غایی و فلسفی برای هستی داشت. این جنبه‌ها مربوط به مکتب و فلسفه اقتصادی است و نه علم ابزاری که فقط وسیله‌ای برای دستیابی به بهینه‌های نسبی در جنبه‌های مادی اقتصادی است.

گاهی با تصور این که علم اقتصاد غربی است آن را مورد غضب قرار می دهند. اگرچه علوم جدید در مقطع فعلی خاستگاه غربی دارند، اما علم برای دنیای غرب نیست. علم کشف و شناخت روابط بین پدیده های عالم است که امروزه غربی ها زودتر از دیگران به آن دست یافته اند، کما اینکه روزگاری ایران و دنیای اسلام مهد علم و تمدن محسوب می شدند. به هر حال هر کشوری الگویی برای اداره اقتصاد لازم دارد که این الگو از ادبیات اقتصادی مطابق ویژگی هر کشوری استخراج می شود. تا جایی که به علم اقتصاد مربوط می شود کشورها می توانند از مدل های توسعه مشابه استفاده کنند. الگوی پویای چندبخشی خواستگاه آمریکایی-کانادایی دارد؛ ولی در فرانسه اجرا شده است {۲۱}. این کشورها لزوماً ماهیت مشترک ندارند و به نوعی رقبای دیرینه هم هستند. علم نعمت الهی و دستیابی به آن توفیق الهی است «أطلب العلم ولو بالصین» امر پیامبر بزرگ اسلام است. به یقین علم در چین آن روز علم دین نبوده بلکه علوم و فناوری است که به عنوان ابزار و شیوه های تولید برای بهبود زندگی و معیشت جامعه لازم بوده است. قواعد برخی علوم مثل علم اقتصاد اگر تعارضی با احکام اسلامی نداشته باشد می تواند حداقل جزء احکام امضایی دین باشد.

نظام اقتصاد اسلامی

با ترکیب سه عنصر "علم اقتصاد"، "مکتب اقتصادی" و "نهادهای اقتصادی-اجتماعی"، که ذکر شد، اقتصاد ملی که به نوعی در یک نظام اسلامی همان "نظام اقتصاد اسلامی" است، شکل می گیرد. اقتصاد اسلامی در قالب یک "حکومت اسلامی" تحقق می یابد. در واقع اقتصاد اسلامی با استفاده از ابزارهای علم اقتصاد و نهادهای در خدمت مکتب یا همان اهداف نظام اسلامی است. علم، مکتب و نهادهای اقتصادی بر هم اثر متقابل دارند. کشف ها و نوآوری های علمی در نظریه های مکاتب پویا اثر می گذارند. از طرفی دیدگاه های مکتبی بنیان های فکری را متأثر می سازند و این امر در دیدگاه های علمی اثر می گذارد و نهادهای اجتماعی از هر دو اثر می پذیرند و بر آن ها اثر می گذارند. علم اقتصاد قانون مندی رفتار انسان را استخراج و تبیین می کند (یا رفتار را قانون مند می کند). دین (به عنوان یک نهاد اجتماعی) رفتار را می سازد یا تغییر می دهد. اگر رفتار انسان تغییر کند، مسیر وجهت علم اقتصاد تغییر می کند. به ویژه اگر تحت تأثیر مکتب یا فرهنگی تغییر کند علم اقتصاد بدون تعصب آن رفتار را تئوریزه خواهد کرد. بنابراین مادامی که رفتارهای اقتصادی افراد و جوامع همسان است علم اقتصاد کاربردی یک سان و تفسیری مشابه خواهد داشت. اگر تحت تأثیر و هدایت مکتب و فرهنگی، رفتارها تغییر یابند مطمئناً جهان علم این رفتارها را تئوریزه کرده و علمی می نامند. مسئولیت باید و نبایدها در نظام اقتصادی با صاحب نظران در حوزه مکتب اقتصادی است. مسئولیت هست ها، نیست ها و اگر-آن گاه در حوزه علم اقتصاد با متخصصان و عالمان آن است.

مسئولیت نظام اقتصادی (اقتصاد ملی یا همان اقتصاد اسلامی در نظام اسلامی) و اداره اقتصاد جامعه برعهده حاکمیت است. قانون‌گذار و مجری در نظام اقتصادی براساس نسخه‌ها و مجوزهای این دو حوزه عمل می‌کنند، بخش قضا هم نظارت می‌کند. اگر علم اقتصاد (یا عالمان اقتصادی) درست عمل نکنند، ویژگی‌ها و شرایط خاص جامعه را در نظر نگیرد، متغیرها و عوامل را به درستی تشخیص ندهد این نقص در نظام اقتصادی است. اگر فهم درست از مکتب نشود، پادها و نپادها به درستی اعمال نشود، نظام اقتصادی دچار مشکل می‌شود. به هر حال مسئولیت اداره اقتصاد، معیشت، رفاه و توسعه و... در جامعه برعهده نظام اقتصادی است. حال اگر نظام اقتصادی به درستی عمل نکند؛ مکتب مقصر نیست و بر علم و دانشگاه هم می‌توان خرده گرفت چرا که از این‌ها خوب استفاده نشده است و یا ساختار نهادهای نظام اقتصادی مناسب نبوده‌اند، مثلاً در شرایط بحران گاهی سازوکار بازار بسیار ضعیف می‌شود و نقش دولت به عنوان یک نهاد مؤثر بسیار اهمیت می‌یابد که باید به کمک سازو کارهای اقتصادی بیاید و نه آن‌که خودش جای آن‌ها را بگیرد. در این‌جا مناسب است به موضوعی که بعضاً مطرح می‌شود اشاره کنیم و آن این‌که آیا علم اقتصاد و مکتب اقتصادی در تعارض‌اند؟ در پاسخ باید گفت اسلام دین علم و معرفت است. چه علم دین چه علوم متعارف که به عنوان ابزار می‌توانند در خدمت اهداف و آرمان‌های دینی باشند. هیچ عاقلی با علم منطقی و متعارف (که حداقل با دین امضا شده باشد) مخالفت نمی‌کند. هیچ علم و عالمی هم مستقل از ارزش‌ها، فرهنگ، فلسفه و... در یک کلام مکتب نیست.

پس چرا تعارض وجود دارد، یا احساس می‌شود؟ تعارض از کج فهمی و خلط مطالب است. انتظار از مکتب و انتظار از علم مخلوط می‌شود. ادبیات اقتصادی و به خصوص مطالعاتی که در زمینه اقتصاد اسلامی شده است مملو از این خطاهای اساسی است. عده‌ای بدون استدلال و منطق درست، فقط علم و به ویژه علم اقتصاد متعارف موجود را مورد حمله قرار می‌دهند. این‌ها گاهی نه علم اقتصاد را درست فهمیده‌اند و نه در دین ریشه‌یابی درستی کرده‌اند. عده‌ای دیگر افراد عالم‌اند که صادقانه و عالمانه نقد می‌کنند و با غور در متون و منابع اسلامی، مفاهیم را ریشه‌یابی و در واقع دستورات و قواعد دینی را استخراج و ارائه می‌کنند که این کار بسیار شده است. یافته‌های این نوع تحقیقات در حوزه مکتب اقتصادی اسلام است و در حیطه فلسفه اقتصاد دینی است. در جامعه علمی متأسفانه گاهی گرفتاری با این خطا مشاهده می‌شود به طوری که اخلاق، فلسفه، فقه، فرهنگ، حقوق و... را به جای علم اقتصاد ارائه می‌کنند. از طرفی نمی‌توان از علم اقتصاد هم خارج از قلمروان انتظار علت‌گایی و فلسفه‌ای برای هستی داشت {۲۲}.

اهداف نظام اقتصاد اسلامی

هدف عالی یا اصلی نظام اقتصاد اسلامی در سطح کلان افزایش ثروت جامعه و به تبع آن ثروت افراد جامعه و "رفاه عمومی" در چارچوب تعالیم دینی است. در این موضوع که افزایش ثروت و رفاه هدف همه نظام‌های اقتصادی است تردیدی نیست. البته ابزار تحقق این هدف علم و تکنیک‌های اقتصادی است. تفاوت نظام‌ها در امور اقتصادی به هدف غائی آن‌ها مربوط می‌شود. هدف غائی را هم در چارچوب مکتب اقتصادی تعیین می‌کند. مکاتب هم علاوه بر هدف اصلی افزایش رفاه، هدف غایی دارند. حتی مکاتب اقتصادی تعیین می‌کند. مکاتب هم علاوه بر هدف اصلی افزایش رفاه، هدف غایی دارند. حتی مکاتب مادی بر خلاف آن‌چه تصور می‌شود اقتصاد را وسیله‌ای برای توسعه و سلطه اندیشه‌های خود در سطح جهان قرار می‌دهند. شهید آیت ا...محمد باقر صدر در توضیح هدف اقتصاد و این‌که چرا تولید می‌کنیم، می‌گوید: اختلاف بین مکاتب یکی هدف نهایی افزایش ثروت و دیگری نقش آن در حیات جامعه است. بنابراین هر کدام از سیستم‌های اجتماعی به دو سؤال، چرا تولید می‌کنیم و نقش ثروت چیست، طبق مبانی خاصی پاسخ می‌گویند. از این‌رو در بررسی مکتب اقتصادی اسلام یا هر سیستم دیگر، تنها درک اصل رشد و افزایش ثروت کافی نیست بلکه باید مفهوم و هدف از افزایش قدرت مادی را نیز دریافت. برای تبیین مبانی فکری و نظری رشد بایستی مکتب اقتصادی را نه به عنوان یک موضوع مجزا و مطلق بلکه به عنوان جزئی از کل یک تمدن و سیستم بزرگ در نظر بگیریم {۲۳}.

گفتنی است حداکثر کردن رفاه عمومی از طریق رشد و توسعه اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت، در سایه عدالت و امنیت امکان‌پذیر خواهد بود. دستیابی به این هدف با ویژگی‌هایی که اشاره شد در پرتو برنامه‌ریزی‌های مناسب در چارچوب قواعد مکتب و با استفاده از علم دنبال می‌شود.

اقتصاد مقاومتی محصول اقتصاد اسلامی است

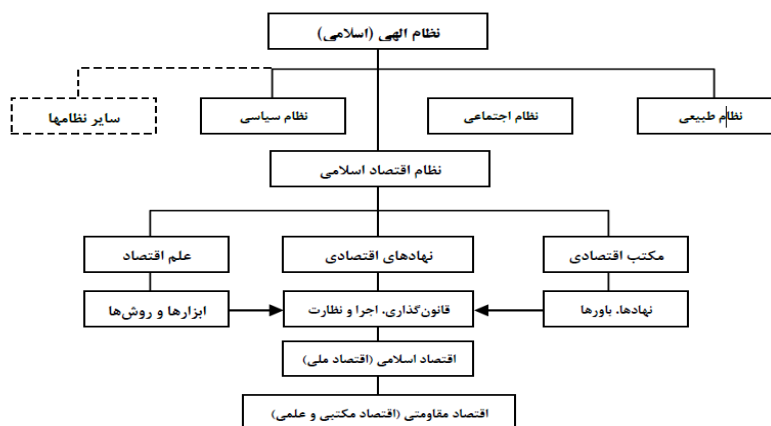
مقاومت، عمل یا عکس‌العمل مناسب مقابله در شرایط بروز ناملایمات، حوادث، بحران یا تحمل سختی‌ها و استقامت در مسیر رسیدن به اهداف است. اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که در شرایط بروز ناملایمات، حوادث و بحران‌ها یا در مسیر اهداف، پویا و پایدار تخصیص بهینه منابع بدهد. وقتی بحث از اقتصاد مقاومتی می‌کنیم، تصور ما از اقتصاد، ریشه در جهان‌بینی توحیدی دارد و مقوله‌های مادی معیشت و معنویت را در تفسیر و الگوی خاصی دنبال می‌کند. با توجه به آن‌چه در مباحث قبل گذشت، می‌توان گفت اقتصاد اسلامی لزوماً مقاومتی هم هست. از طرفی اقتصاد در یک نظام اسلامی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علم اقتصاد و مکتب اقتصادی را توأماً دارد. علم اقتصاد حاصل مطالعات بشر و تجربیات او طی تاریخ است که شامل حوادث و بحران‌ها هم بوده است و با تغییر

شرایط به خصوص در زمان بحران‌ها و سختی‌ها قابلیت انعطاف دارد و با تغییر الگوها، سیاست‌ها و... می‌تواند تغییر روش داده یا برنامه‌ریزی جدید کند. در "علم اقتصاد" و برنامه‌ریزی اقتصادی" مفهوم و عمل مقاومت به معنای بهینه‌یابی در هر شرایطی نهفته است. گاهی بخشی از این قابلیت انعطاف را "فنریت اقتصادی" گفته‌اند {۴،۲۴،۲۵}. به این معنا که در اقتصادها این قابلیت وجود دارد تا آسیب‌های وارده بر اقتصاد ناشی از شوک‌ها را ترمیم و تا حدودی به حالت قبل برگرداند. حتی برخی این قابلیت را مورد سنجش قرار داده و اندازه‌گیری کرده‌اند {۳}. بخشی از این قابلیت و ظرفیت به اقدام و عمل برنامه‌ریزان و مدیران مربوط می‌شود که با برنامه‌ریزی و اصلاحات مداوم در آن‌ها، می‌توانند آثار شرایط خاص را تعدیل کنند. از طرفی هم نظام اقتصاد اسلامی مبتنی بر مکتب اقتصادی است که خود برگرفته از مکتب الهی و ویژگی‌های آن است که مقاومت و استقامت برای دستیابی به اهداف به ویژه در سختی‌ها و بحران‌ها از دستورات و توصیه‌های مؤکد مکتبی است. گفته شد در مکتب اقتصادی اسلام، بحث از فلسفه خلقت، فلسفه حیات و آخرت و... هست. در مکتب اخلاق هم، سیاست، فقه، فرهنگ وجود دارد و در یک کلام دین به عنوان برنامه زندگی (از جمله صبر و مقاومت) از جانب خداوند است. کسی که فلسفه حیات را بداند و بپرسد که زکجا آمده‌ام، آمدم بهر چه بود و اعتقاد داشته باشد که انالله و انا الیه راجعون، و دستورات زندگی خود را از منابع و حیانی بگیرد انسان مکتبی است. مکتب الهی، انسان را در جهت خدا و تکلیف‌گرا می‌سازد. این مسئله خاص اقتصاد نیست، انسان مکتبی در همه جوانب زندگی خویش برای رضای خدا عمل می‌کند. حال اگر این انسان به ابزار تکنیک و صنعت هم دست یافت و بهره گرفت آن را در جهت اهداف مکتبی خویش به کار می‌گیرد. علم اقتصاد یکی از ابزارهاست. انسان الهی موظف است دنبال ابزارها برود. این انسان دیگر مأمور به نتیجه نیست بلکه مأمور به وظیفه و تکلیف است. البته برکات خداوند بر عمل صالحان (اگر به صلاحشان باشد) نازل می‌شود، کما اینکه ناسپاسی، طغیان و معصیت هم برکت را می‌زداید.

اگرچه واژه اقتصاد مقاومتی اصطلاح جدیدی است و بار ارزشی در فرهنگ دینی دارد؛ اما مفاهیم در این زمینه و اعمال و اقداماتی برای مقاومت در حوزه‌های گوناگون به ویژه در حوزه اقتصاد در دنیا بی‌سابقه نیست. در ادبیات اقتصادی مفاهیمی مثل "اقتصاد مقاومت" و یا "قدرت اقتصادی" ، فراوان وجود دارد. در واقع همه کشورهایی که به نوعی جنگ یا بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را تجربه کرده‌اند و برای توسعه، شرایط سختی را گذرانده‌اند اقتصاد خود را بر مبنای مقاومت برنامه‌ریزی کرده‌اند. برنامه‌ریزی اقتصادی آلمان، روسیه، انگلستان، ژاپن و... در دوران جنگ‌های جهانی اول و دوم اقتصادهای مقاومتی بوده است. در دوران جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، باتمام اشکالات موجود وعدم درگیری کل توانمندی‌های

اقتصادی و غیر اقتصادی، اولویت‌بندی‌های برنامه‌های اقتصادی جمهوری اسلامی برای مقاومت تنظیم می‌شد. بنابراین تفاوت اقتصاد مقاومتی در کشورهای مختلف در شکل مقاومت، در مکتب‌ها و فرهنگ‌ها و اهداف آن‌هاست. اقتصاد مادی‌نگر فقط با ابزارهای اقتصادی و تدابیری مانند تغییر اولویت‌های اقتصادی برنامه مقاومت را طراحی می‌کند. در مکاتب الهی و توحیدی علاوه بر استفاده از ابزارهای علمی برنامه‌ریزی اقتصادی، از ظرفیت‌های اعتقادی و ارزشی، نواقص برنامه‌ریزی‌های تخصصی را پوشش می‌دهد.

شکل بالا فرایند نموداری از چارچوب مفهومی نظام اقتصاد اسلامی و مفهوم اقتصاد مقاومتی را در نظام اسلامی نشان می‌دهد.



جمع بندی

عالم دارای یک نظام واحد و هماهنگ است که اسلام به مفهوم عام برای حاکم کردن این نظام و برای هدایت بشر از جانب خداوند متعال به وسیله پیامبر بزرگ اسلام عرضه شده است. این نظام الهی زیر مجموعه‌هایی دارد که نظام اقتصادی از جمله آن‌هاست. وظیفه هر نظام، ایجاد هماهنگی و توازن میان نهادهای مختلف برای حرکت از وضع موجود به سمت مطلوب است. در این پژوهش منظور از نظام اقتصادی، نظامی است که با به‌کارگیری قواعد اقتصادی نظام الهی، در ارتباط با سایر نظام‌ها و استفاده از ابزارهای اقتصادی وظیفه تأمین، توزیع و مصرف جامعه را بر عهده دارد. ایده اقتصاد مقاومتی ابتدا از جانب رهبر معظم انقلاب مطرح شد. از نظر ایشان، دشمن در موضوع تهدید اقتصادی در پی جدا کردن مردم از نظام اسلامی است. با دقت در بیانات مقام معظم رهبری مؤلفه‌ها و محورهای اقتصاد مقاومتی قابل استخراج است. از نظر ایشان، اقتصاد مقاومتی موجب می‌شود در شرایط فشار روند روبه رشد اقتصادی و شکوفایی در کشور محفوظ بماند و آسیب‌پذیری آن کاهش پیدا کند. شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی نتایج مهمی خواهد داشت که در بیانات مقام معظم رهبری به آن‌ها تصریح شده است. همچنین اقتصاد مقاومتی شرایط و الزاماتی دارد که استفاده از همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی، تحول در شرایط اقتصاد از طریق اجرای سیاست‌های اصل ۴۴، از جمله آن‌هاست. در راستای تعریف اقتصاد مقاومتی، با توجه به شرایط تحریم و فشار موجود، اگر بتوان بهره‌وری نیروی کار را افزایش داد یا اینکه نهادهای تولیدی با جهاد و از خود گذشتگی توان تولیدی را افزایش دهند، زمینه رشد و شکوفایی را فراهم کرده‌اند هرچند پس از ۳ دهه شاهد بهارهای عربی بودیم که خود دلیل جدی برغلبه این تفکر در کشورهای اسلامی است. تحریم‌های اقتصادی به بهانه‌های مختلف نیز ریشه در همین نظریه دارد. هدف اصلی تحریم‌ها، فشار بر اقتصاد کشور، توسعه بیکاری و تورم و در نهایت ایجاد نارضایتی در جامعه است. درک و تحلیل دقیق از شرایط موجود و بسیج امکانات و منابع برای مقابله با این برنامه وظیفه همه کسانی است که به عزت و سربلندی می‌اندیشند. فراموش نکنیم که در شرایط موجود هر تصمیم غیر عقلانی نوعی همیاری ناخواسته با خواسته‌های دیگران است. نامگذاری سال‌های اخیر تمرکز در خصوص مسائل اقتصادی نوعی دوراندیشی هوشمندانه از سوی مقام معظم رهبری بوده است. در این باب نکات ذیل می‌توانند حائز اهمیت باشند:

- منابع کشور اعم از مادی و انسانی و موقعیت ژئوپلیتیکی آن به گونه‌ای است که با اتخاذ تصمیمات اصولی و دقیق می‌توان تهدیدات مذکور را به فرصت تبدیل کرد. بنابراین، از نظر واقعی و شرایط موجود جهانی امکان عبور از تحریم‌ها وجود دارد.

- اقتصاد مردمی؛ اجرای صحیح اصل ۴۴ قانون اساسی و مردمی کردن اقتصاد و توانمندسازی بخش خصوصی می‌تواند نقش بسزایی در افزایش مشارکت مردمی و تحقق اقتصاد مقاومتی و نیز تقویت ظرفیت و توان تولید داخلی داشته باشد.
- نهادهای مردمی حمایت از تولید ملی و استفاده از همه ظرفیت‌های کشور؛ در دوران اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی داخلی یک ضرورت جدی است. از یک طرف می‌بایست فعالیت‌های تولیدی و بازرگانی و حتی نظام پولی و مالی کشور با نیازهای ناشی از اجرای اقتصاد مقاومتی و پیامدهای آن هماهنگ و همخوان گردد و از طرفی باید اقتصاد کشور را به توانمندیها و ظرفیت‌های داخلی متکی نمود. نیروی کار، منابع سرمایه‌ای، ابتکارات و خلاقیت‌ها، نگاه‌ها و نگرش‌ها و نظایر آن می‌بایست با الزامات اقتصاد مقاومتی هماهنگ گردند.
- هر نظام اقتصادی با تعریفی که ذکر شد شامل سه بخش عمده می‌شود: مکتب اقتصادی، نهادهای مرتبط و علم اقتصاد با ترکیب سه عنصر علم اقتصاد، مکتب اقتصادی و نهادهای اقتصادی - اجتماعی، اقتصاد ملی که به نوعی در نظام اسلامی همان نظام اقتصاد اسلامی است، شکل می‌گیرد و در قالب حکومت اسلامی تحقق می‌یابد. تفاوت نظام‌ها در امور اقتصادی به هدف غایی آن‌ها مربوط می‌شود. هدف‌گذاری در چارچوب مکتب اقتصادی تعیین می‌گردد. همچنین نتیجه گرفته شد که اقتصاد مقاومتی محصول اقتصاد اسلامی است. مقاومت را عمل یا عکس‌العمل مناسب برای مقابله در شرایط بروز ناملایمات، حوادث و بحران‌ها و تحمل سختی‌ها و استقامت در مسیر رسیدن به اهداف تعریف می‌شود. از این‌رو اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که در چنین شرایطی و یا در مسیر اهداف، پویا و پایدار تخصیص بهینه منابع بدهد. اشاره شد که اقتصاد اسلامی لزوماً مقاومتی هم هست، زیرا اقتصاد در یک نظام اسلامی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علم اقتصاد و مکتب اقتصادی را توأمان دارد.

منابع

1. Balasa, B. (1990), Korea's Development Strategy, in Jene K. Kwon Ed, Korea Economic Development, Greenwood Press, Connecticut, PP. 1-17.
۲. علیخانی، حسین (۱۳۸۰)، تحریم ایران شکست یک سیاست، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران
3. Briguglio, Lino & Stephen Piccinino (2009), "Growth and Resilience in East Asia and The Impact of the 2009 Global Recession", Available at http://www.um.edu.mt/__data/assets/pdf_file/0011/141959/Growth_with_Resilience_in_Asia_5 Dec 2011. Pdf
۴. سیف، الهمراد (۱۳۹۱)، "الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۵ شماره ۱۶، پاییز.
۵. میرمعزی، سیدحسن (۱۳۹۱)، "اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری" اقتصاد اسلامی، پاییز، شماره ۴۷.
۶. حسین‌زاده بحرینی، محمد حسین (۱۳۹۲)، "اقتصاد مقاومتی راهکاری برای توسعه"، مشکوه، بهار، شماره ۱۱۸.
۷. هزاوئی، سیدمرتضی و علی زیرکی حیدری (۱۳۹۳)، "اقتصاد مقاومتی؛ نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران".
۸. مطالعات انقلاب اسلامی، تابستان، سال ۱۱، شماره ۳.
۹. عسگری، علی (۱۳۹۱)، "۱۸ راهکار عملیاتی در اقتصاد مقاومتی"، روزنامه جام جم، شماره ۳۵۱۵، دوشنبه ۳ مهر. رهبر، فرهاد؛ سیف‌الدین، امیرعلی و امیرحسین رهبر (۱۳۹۳)؛ "رهیافتی بر هستی‌شناسی اقتصاد مقاومتی؛ تلاشی
۱۰. در جهت نگاه اسلامی به‌گذار سیستمهای اقتصادی-اجتماعی"، روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۱۹، شماره ۷۸، بهار.
11. Peet, R. & H. Elaine (2009), Theories of Development Contentions,
12. Arguments, Alternatives, The Guilford Press, Second Edition
۱۳. راغفر، حسین (۱۳۹۲)
14. <http://www.resna.ir/fa/newsagency/45609?p1518=1>
۱۵. پایگاه حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه‌ای. WWW.KHAMENEI.IR
۱۶. رضایی، محسن (۱۳۹۱)، "هدف از اقتصاد مقاومتی چیست؟"، به نقل از
17. <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=218340>
۱۸. خوش‌چهره، محمد (۱۳۹۱)، "اصل استراتژیک اقتصاد مقاومتی"، در
19. <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=217374>
۲۰. سایت تبیان. www.tebyan.net.

۲۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲
۲۲. فشاری، مجید و پورغفار، جواد (۱۳۹۳)، بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی، مجله اقتصادی شماره‌های ۵ و ۶، مرداد و شهریور ۱۳۹۳، صفحات ۲۹-۴۰
23. Innes, S. (1995), *Creating the Commonwealth: The Economic Culture of*
24. *Purtain New England New York: Norton.*
۲۵. نمازی، حسین (۱۳۸۳). "نظام‌های اقتصادی"، شرکت سهامی انتشار.
۲۶. لطفعلی‌پور، محمدرضا (۱۳۸۳). "علم اقتصاد، مکتب اقتصادی و سیستم اقتصاد اسلامی"، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، سال شانزدهم، شماره ۳ و ۴، ص ۸۹ تا ۱۰۶
۲۷. توفیق، فیروز (۱۳۸۵). "برنامه‌ریزی در ایران و چشم‌انداز آینده آن"، چاپ اول، مؤسسه عالی آموزش و پرورش مدیریت و برنامه‌ریزی
۲۸. اسدی، علی (۱۳۹۳). "نظام اقتصادی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی" فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان / سال دوم، شماره ۵، بهار ۱۳۹۳، صفحات ۳۹-۲۵
۲۹. صدر، سید محمد باقر (۱۳۵۰) اقتصاد ما، ج ۱، ترجمه محمد کاظم موسوی، چاپ اول، تهران: انتشارات اسلامی
30. Ficenec, Sarah V. (2010) *Regional Economic Resilience: What Can We Learn from Other Fields?* George Washington Institute of Public Policy, December.
31. McInroy, Neil, Longlands, Sarah (2010). "Productive local economies: creating resilient places", Centre for Local Economic Strategies.

